

## اثر بخشی روش تدریس بدیعه پردازی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

یوسف رسولی<sup>۱\*</sup>

ابوالقاسم عیسی مراد<sup>۲</sup>

### چکیده

زمینه: روش تدریس بدیعه پردازی، روشی است که یادگیرندگان را بر می‌انگیزد تا ایده‌ها و افکار نو و خلاق را بیورانند و ارائه دهند و در رویارویی با مسائل، از راه‌حل‌های نوین بهره‌گیرند.  
هدف: هدف از انجام این پژوهش، تعیین اثربخشی روش تدریس بدیعه پردازی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استان کهگیلویه و بویراحمد بود.  
روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع شبه‌آزمایشی و طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای دو کلاس (۵۰ نفر) از بین کلاس‌های مناطق مختلف استان کهگیلویه و بویراحمد به عنوان نمونه انتخاب و به روش تصادفی ساده به گروه آزمایش و گواه تقسیم و بعد از دو ماه آموزش با روش تدریس بدیعه پردازی، از نظر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی مورد آزمون قرار گرفتند. جهت سنجش خلاقیت از آزمون خلاقیت عابدی و برای سنجش پیشرفت تحصیلی از آزمون محقق ساخته پیشرفت تحصیلی، استفاده شد. داده‌های پژوهش با استفاده از روش  $t$  گروه‌های مستقل، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.  
یافته‌ها: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد که روش تدریس فعال بدیعه پردازی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر بوده است و همچنین بین گروه آزمایش و گواه در آزمون خلاقیت و پیشرفت تحصیلی تفاوت معناداری مشاهده شد.

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید ایزدپناه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول) (rasoliyosefi@yahoo.com)

۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (A\_isamorad\_s@yahoo.com)

نتیجه‌گیری: تحلیل آزمون نشان داد که روش تدریس بدیعه‌پردازی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد.

**کلید واژه‌ها:** روش بدیعه‌پردازی، پیشرفت تحصیلی، خلاقیت، دانش‌آموزان.

### پیشگفتار

لازمه ماندگاری و دوام و بقای انسان‌ها در عرصه تحولات پرشتاب امروز همانا توجه بیشتر به کیفیت نظام آموزشی است. افزایش روزافزون دانش‌آموزان، دگرگونی و تحول در یافته‌های علمی، انفجار دانش، انفجار ارزش‌ها، نابرابری در خصوص دسترسی به آموزش و همه عوامل تأثیرگذار دیگر در مراکز آموزشی و آموزشگاهی، توجه و اهمیت کیفیت هر نظام آموزشی را روزافزون می‌کند. شبکه انجمن برنامه‌ریزی درسی و رهبری آموزشی، مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان در قرن ۲۱ را به سه طبقه (مهارت‌های انسانی، مهارت‌های پایه مشترک زندگی و مهارت‌های شخصی) تقسیم‌بندی نموده است، لازمه تحقیق این مهارت‌ها داشتن یک نظام آموزشی کیفی است (خورشیدی، ۱۳۸۱).

برای تربیت شهروندانی که دارای تفکر منطقی و نقاد و دارای درک اجتماعی، سیاسی عمیق باشند، آموزش مهارت تفکر خلاق و یادگیری از طریق روش‌های یاددهی - یادگیری فرایند مدار (فعال) ضروری به نظر می‌رسد. این ضرورتی است که دنیای امروزه با آینده‌ای که پیش رو دارد، باید برای آن برنامه‌ریزی کند. چاره اساسی برای رسیدن به اهداف، تغییر بنیادی در روش‌های آموزش و یادگیری در مدارس است (صفوی، ۱۳۹۲).

امروزه دانش‌آموزان برای ورود به عصر دانایی و روبرو شدن با تحولات مستمر، باید بطور فزاینده‌ای مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق را برای تصمیم‌گیری مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه فراگیرند. لذا روش‌های تدریس فعال مانند بدیعه‌پردازی که بتواند فعالیت‌های فراگیران

را تقویت و یادگیری را به یک جریان دو سویه تبدیل کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (صمدآقایی، ۱۳۸۳).

رویکرد آموزش خلاق، رویکردی معناگرایانه برای شکوفایی توانایی‌های شناختی، شخصیتی و اجتماعی کودکان است و همواره در پی این است که کودکان منش برجسته انسانی، از قبیل: دوستی و عشق، صداقت و پاکی، همیاری و مشارکت را شکوفا سازند. از این جهت معناگرایانه است، که آموزش را گوهر هستی می‌داند و براین باور است که هر چه انسان در طول تاریخ آموخته، از راه‌های آموزش تجربی، هدفمند و خلاق بوده است (فقیهی، ۱۳۹۲).

خلاقیت از جمله مسائلی است که در باره ماهیت و تعریف آن، بین محققان و روانشناسان کنونی توافق به عمل نیامده است. مدنیک<sup>۱</sup> (۱۹۶۲، نقل از دالتون، ۱۹۸۶) خلاقیت را به عنوان توانایی همبسته کردن اشیاء، مفاهیم و عقاید دور از دسترس تعریف می‌کند. استین<sup>۲</sup> (۲۰۰۳، نقل از جکسون، ۱۹۸۰) خلاقیت را فرایند ایجاد هر چیز جدید و با ارزش می‌داند که به عوامل گوناگونی نظیر دانش و معلومات، سن و تجربه، هوش و سبک‌های تفکر بستگی دارد. خلاقیت با دانش ارتباط مستقیم ندارد ولی با خط مشی نظام آموزشی و ارزشیابی و استفاده مناسب از سبک‌های فکری ارتباط مستقیم دارد (صمد آقایی، ۱۳۸۳).

خلاقیت از عواملی است که با یادگیری ارتباط نزدیک دارد. اگر یک قطب خلاقیت را فعالیت ذهنی بدانیم باید قطب دیگر آن را عوامل اجتماعی و فرهنگی تلقی کنیم. با توجه به اینکه آموزش، فعالیتی اکتسابی و فرهنگی است، می‌تواند به پرورش قدرت آفرینندگی و خلاقیت در فراگیران پردازد (موسوی و مقامی، ۱۳۹۱).

1. Mednik  
2. Sten

فورد<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) خلاقیت را یک مهارت می‌داند که می‌توان آن را در مدارس آموزش داد و بسیاری از مشکلات جامعه در آینده به وسیله دانش آموزان همین مدارس خلاق، حل خواهد شد.

پندی<sup>۲</sup> (۲۰۰۹، نقل از فورد، ۲۰۱۰) خلاقیت را پاسخ جدید، مفید، مناسب، صحیح و قابل دسترس، اکتشافی و ابتکاری به منظور حل مسئله و مشکلات می‌داند. ایگان<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای مهم‌ترین عامل تشکیل‌دهنده خلاقیت را روش‌های تدریس مدرس و بازخورد او در امر تدریس نام برده است. گاردنر<sup>۴</sup> (۲۰۰۲، نقل از خورشیدی، ۱۳۸۱) در نتیجه تحقیقات خود نشان داد که مرشدان، مدرسان و راهنمایان در ایجاد انگیزه افراد خلاق نقش بسیار مهمی ایفا کرده‌اند.

باتاستینی<sup>۵</sup> (۲۰۱۲) در پژوهش خود میان خلاقیت و اثربخشی در مدارس ارتباط قوی به دست آورد. در این پژوهش، پیشنهاد می‌کند که حتماً از روش‌های خلاق آموزشی در مدارس استفاده شود.

آماییل<sup>۶</sup> (۲۰۰۹، نقل در اوجی نژاد، ۱۳۸۹) در مطالعه‌ای، نقش مدرسان در فراهم آوردن محیط مثبت در کلاس درس، داشتن روابط صمیمانه و توأم با علاقه و احترام، فرصت و استقلال به فراگیران را از مهم‌ترین عوامل رشد خلاقیت دانش آموزان می‌داند. مناسب‌ترین بستر برای پرورش خلاقیت نظام تعلیم و تربیت و در بطن آن، مدرسه است (اوجی نژاد، ۱۳۸۹).

روش تدریس بدیعه‌پردازی<sup>۷</sup> از روش‌های پرورش خلاقیت محسوب می‌شود که به وسیله ویلیام جی جی گوردن<sup>۸</sup> و همکارانش (۱۹۶۱) ابداع شد. هدف روش بدیعه‌پردازی افزایش تفکر خلاق و مشکل‌گشایی در مواقع خاص، بر هم زدن سنت‌های متداول و گسترش افق‌های

---

1. Ford  
2. Pandey  
3. Egan  
4. Gardner  
5. Batastini  
6. Amabile  
7. Synectics  
8. William.j.j.Gordon

فردی و اجتماعی در دانش‌آموزان است. معلم سوالاتی از دانش‌آموزان می‌نماید، ولی پاسخ دانش‌آموزان کاملاً باز است و معلم بایستی کمک کند تا شاگردان تفکر خود را بسط دهند. این روش باعث رشد خلاقیت و نوآوری، همبستگی گروهی و برهم زدن سنت‌ها می‌شود. روش بدیعه‌پردازی به منظور افزایش خلاقیت افراد و گروه‌ها تدوین یافته است. مشارکت شاگردان در تجربه بدیعه‌پردازی موجب ایجاد احساس روابط اجتماعی در بین آنها می‌شود و در آموزش درسی تمام رشته‌های تحصیلی، کاربرد دارد (جویس<sup>۱</sup>، ویل<sup>۲</sup>، کالهون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴، ترجمه بهرنگی، ۱۳۸۴).

هدف اساسی نوآفرینی یا بدیعه‌پردازی، شکستن سد قواعد مرسوم و ایجاد راه‌های جدید برای حل مسائل است. این روش به منظور کمک به افراد برای شکستن زمینه‌های ذهنی قبلی و پیدا کردن راهی مناسب برای اندیشیدن به طرز جدید به موضوع است (شعبانی، ۱۳۹۳).

روش بدیعه‌پردازی در بردارنده ارزش‌های آموزشی و پرورشی زیادی است. فنون آموزش خاصی که گوردن<sup>۴</sup> به وجود آورد، مبتنی بر این اعتقاد است که می‌توان فرایند خلاقیت را با دیگران مبادله کرد و می‌توان آن را با مهارت‌آموزی مستقیم، توسعه داد. به هر حال، روش بدیعه‌پردازی در گسترش توان کلی خلاقیت و در رشد پاسخ‌های خلاق در زمینه‌های گوناگون مطالب درسی به کار می‌رود. گوردن به صراحت اعتقاد دارد که خلاقیت با انرژی خود که در هنگام استفاده از روش بدیعه‌پردازی پدید می‌آورد، یادگیری را افزایش می‌دهد (خورشیدی، ۱۳۸۱).

الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر مبنای چندین مفهوم استوار است. مفاهیمی چون استعاره، قیاس مستقیم، قیاس شخصی و تعارض فشرده. مهمترین اصل در روش بدیعه‌پردازی کمک

1. Joyce  
2. Weil  
3. Kakehon  
4. Gordon

کردن به افراد است تا راه‌های جدید تفکر درباره مسائل را کشف کنند و توسعه بخشد، خود را از محدودیت‌ها برهانند و راه‌حل‌های جدیدی را بوجود آورند (اوجی‌نژاد، ۱۳۸۹).

مراحل روش تدریس بدیعه‌پردازی عبارتند از:

مرحله اول: توصیف شرایط موجود. در این مرحله معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که به توصیف و تشریح شرایط حاضر یا موجود بپردازند و دانش‌آموزان آنچه را از شرایط می‌فهمند، توصیف می‌کنند.

مرحله دوم: قیاس مستقیم. در این مرحله معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که قیاس‌های مستقیمی را پیشنهاد کنند. معلم دانش‌آموزان را وادار می‌کند تا یکی از قیاس‌های پیشنهادی را انتخاب کنند.

مرحله سوم: قیاس شخصی. معلم توضیحاتی درباره نحوه انجام دادن قیاس شخصی به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد و دانش‌آموزان پس از دریافت اطلاعات از معلم، ترغیب می‌گردند از قیاس مستقیم مرحله دوم، قیاس شخصی بسازد.

مرحله چهارم: تعارض فشرده. در این مرحله معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد بر اساس توصیف‌های استعاری مرحله دوم و سوم، چند تعارض فشرده را ارائه کنند. سپس از میان چند تعارض فشرده‌ای که ارائه شده است، یکی را انتخاب کنند.

مرحله پنجم: قیاس مستقیم. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد قیاس مستقیم دیگری را بر اساس تعارض‌های ارائه شده در مرحله چهارم، انتخاب کنند.

مرحله ششم: بررسی دوباره تکلیف نخست. معلم دانش‌آموزان را وادار می‌کند تا به تکلیف نخست برگردند و آخرین قیاس خود را ارائه دهند (جوینس، ویل، کالهن، ۲۰۰۴، ترجمه بهرنگی، ۱۳۸۴).

میوارش<sup>۱</sup> (۱۹۸۶، نقل در رئیس سعدی، ۱۳۸۶) در تحقیقی نشان داد که یادگیری در گروه‌های همیار و یادگیری در حد تسلط، نتایج مثبتی برای دانش‌آموزان دارد و خلاقیت و

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در کلاس‌هایی که از راهبرد تلفیقی یادگیری در گروه‌های همیار، استفاده کرده بودند بیشتر از گروه سنتی بوده است. در این مطالعه با تلفیق راهبردهای یادگیری و گروه‌های همیار و یادگیری در حد تسلط، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان هم در مهارت‌های سطح بالا (درک مطلب) و هم در عملیات سطح پایین (انجام دادن محاسبات) افزایش یافته بود.

اسلاوین (۱۹۸۲) نتایج ۳۶ تحقیق را که با دقت و ابزار کنترلی در زمینه آموزش تعاملی و مشارکتی برای پایه‌های تحصیلی ۳ تا ۱۲ و در برنامه‌های درسی مختلف در سه منطقه (شهری، حومه شهر، مدارس روستایی) انجام شده بود، مورد مطالعه قرار داد. بررسی‌های او نشان داد در ۲۱ تحقیق از ۳۶ تحقیق انجام شده، دانش‌آموزانی که با روش تعاملی و مشارکتی آموزش دیده بودند نسبت به گروه‌های کنترل، از خلاقیت و پیشرفت تحصیلی بیشتری برخوردار بودند (جویس، ویل، کالهن، ۲۰۰۴، ترجمه بهرنگی، ۱۳۸۴).

عصاره و همکاران (۱۳۹۳، نقل از مرتضوی زاده، ۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که روش‌های فعال بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس تعلیمات اجتماعی تاثیر مثبت دارد. روش بدیعه‌پردازی باعث افزایش میزان مولفه‌های خلاقیت (سیالی، ابتکار، بسط و انعطاف‌پذیری) دانش‌آموزان شده است.

نبوی‌فرد (۱۳۷۳، نقل از اوجی نژاد، ۱۳۸۹) در تحقیقی بیان می‌دارد که به نظر ۰/۸۶ دانش‌آموزان ممتاز، عامل مهم موفقیت دانش‌آموزان، نحوه روش تدریس دبیران آن‌ها است. ثانی (۱۳۸۰) در مطالعه‌ای شبه تجربی با استفاده از الگوی تدریس بدیعه‌پردازی و شیوه بارش مغزی از طریق نوشتن انشاء با طرح موضوعات ابتکاری، به این نتیجه می‌رسد که خلاقیت و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان، افزایش یافته است.

دارستانی (۱۳۸۶، نقل از قریب، ۱۳۸۳) با استفاده از دو روش تدریس بارش مغزی و روش تدریس حل مسئله، به این نتیجه می‌رسد که روش بارش مغزی در پرورش خلاقیت نسبت به

سایر روش‌ها برتری دارد. دستجردی (۱۳۸۰، نقل از قریب، ۱۳۸۳) به بررسی تأثیر الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر عملکرد تحصیلی پرداخته و به این نتیجه رسیده که الگوی تدریس بدیعه‌پردازی باعث بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود.

قوشلی (۱۳۸۴) به مقایسه تأثیر روش تدریس بدیعه‌پردازی با روش تدریس سنتی بر خلاقیت عمومی و خلاقیت نوشتاری دانش‌آموزان پرداخت. نتایج نشان داد که گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل، رشد بالاتری در خلاقیت نوشتاری و خلاقیت عمومی داشتند.

در تحقیقی توسط شیخ‌محسنی (۱۳۸۶، نقل از قریب، ۱۳۸۳) که به بررسی تأثیر روش تدریس فعال و روش تدریس سنتی در درس علوم بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخت. نتایج نشان داد که روش تدریس فعال بر پیشرفت تحصیلی درس علوم مؤثرتر از روش تدریس سنتی است و همچنین روش تدریس فعال بر خلاقیت مؤثرتر از روش تدریس سنتی است.

نصراصفهانی (۱۳۸۷) طی تحقیقی تحت عنوان تأثیر شیوه‌های گوناگون آموزش بر خلاقیت، به تأثیر مثبت روش فعال بارش مغزی بر خلاقیت دانش‌آموزان رسیده است. عرب زاده (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان بررسی اثرات آموزش خودکارآمدی در افزایش خلاقیت دانشجویان، به این نتیجه رسید که آموزش خودکارآمدی در افزایش خلاقیت گروه‌های آزمایش‌پسر و دختر مؤثر است. حمیدی (۱۳۹۰) و فتحی آذر (۱۳۹۰) در تحقیقاتی به بررسی تأثیر روش فعال حل مسئله بر افزایش خلاقیت، خاطر نشان کردند که تدریس به روش فعال حل مسئله بر افزایش خلاقیت مؤثر است.

با توجه به تحقیقات ذکر شده، این سوال مطرح است که آیا روش بدیعه‌پردازی به عنوان یک روش فعال آموزشی، در پرورش خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است؟ لذا در همین راستا، این تحقیق درصدد است اثربخشی روش تدریس فعال بدیعه‌پردازی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال اول متوسطه (هفتم) را مورد مطالعه قرار دهد و به بررسی فرضیه‌های زیر بپردازد:



## فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین میزان خلاقیت دانش‌آموزانی که با روش تدریس بدیعه‌پردازی و روش سنتی آموزش دیده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۲- بین میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که با روش تدریس بدیعه‌پردازی و روش سنتی آموزش دیده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد.

## روش پژوهش

طرح پژوهش، شبه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه است. فرایند پژوهش به این صورت بود که پیش از اجرا، معلم مربوطه بر اساس برنامه تنظیم شده توسط محققان، آموزش‌های لازم را در زمینه روش تدریس بدیعه‌پردازی (در درس مطالعات اجتماعی) داده شد و منابع و سی‌دی‌های آموزشی مربوطه در اختیار او قرار گرفت. بعد از اطمینان کامل از مهارت معلم مربوطه، فرایند پژوهش شروع شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان پایه اول متوسطه (هفتم) مدارس دولتی استان کهگیلویه و بویراحمد بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از بین مناطق مختلف، یک منطقه انتخاب و از منطقه انتخاب شده، به شیوه تصادفی ساده، دو کلاس (۵۰ نفر) انتخاب شد و به گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند. جهت سنجش پیشرفت تحصیلی از آزمون‌های پیشرفت تحصیلی استاندارد شده، که روایی آن به روش محتوایی و با استفاده از نظر متخصصان تأمین و تعیین شده است و پایایی آن با اجرای آزمایشی و از طریق فرمول آلفای کرانباخ به دست آمده که مقدار آن با نرم افزار (spss) ۰/۷۵ برآورد شد. برای سنجش خلاقیت از آزمون خلاقیت عابدی استفاده شد که ضریب پایایی کل این آزمون حدود ۰/۸۰ و روایی آن با استفاده از ضریب همبستگی بین نمره کل آزمون تورنس و این آزمون ۰/۶۳ محاسبه شد (عابدی، ۱۳۷۲).

**الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر اساس مراحل زیر اجرا شد:**

- ۱) توصیف شرایط حاضر یا موجود: معلم دانش آموزان را تشویق می کند تا موقعیت جدید را آنچنان که می بینند، توصیف و تشریح کنند.
- ۲) قیاس مستقیم: معلم از دانش آموزان می خواهد به قیاس مستقیم دست بزنند، گاه معلم ارائه کننده نمونه مورد قیاس است و گاه خود دانش آموزان آن را ارائه می کنند.
- ۳) قیاس شخصی: دانش آموزان موضوع را با خود مقایسه می کنند.
- ۴) تعارض فشرده: دانش آموزان بر اساس قیاس مستقیم و شخصی خویش، تعارض های متراکم پیشنهاد و یکی را انتخاب می کنند.
- ۵) قیاس مستقیم: بر اساس تعارض فشرده، بار دیگر دانش آموزان قیاس های مستقیم را ارائه داده و از بین آنها یکی را انتخاب می کنند.
- ۶) بررسی مجدد تکلیف اولیه: دانش آموزان بار دیگر به مسئله ای که در ابتدا مطرح بود رجوع می کنند و از قیاس نهایی و همچنین سایر مراحل بهره می گیرند ( شریفی، ۱۳۸۸).

### روش تجزیه و تحلیل داده ها

برای تحلیل داده ها از آزمون t استودنت برای گروه های مستقل استفاده شد.

### یافته های پژوهش

**جدول ۱.** میانگین و انحراف استاندارد نمره پیشرفت تحصیلی گروه بدیعه پردازی و گواه

گروه	پیش آزمون		پس آزمون		N
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
بدیعه پردازی	۱۳/۸۰	۸/۴۱	۱۵/۲۴	۴/۴۴	۲۵
گواه	۱۴/۱۲	۵/۸۷	۱۴/۱۶	۵/۶۴	۲۵

همان طور که در جدول ۱ ملاحظه می شود، میانگین و انحراف معیار برای گروه بدیعه پردازی در پیش آزمون و پس آزمون پیشرفت تحصیلی به ترتیب (۱۳/۸۰، ۸/۴۱) و (۱۵/۲۴، ۴/۴۴) و

برای گواه (۱۴/۱۲، ۵/۸۷) و (۱۴/۱۶، ۵/۶۴) است. همچنین تفاضل میانگین پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای گروه بدیعه‌پردازی ۱/۴۴ و برای گروه گواه ۰/۰۴ بوده است.

**جدول ۲.** آزمون t، مقایسه پیشرفت تحصیلی گروه بدیعه‌پردازی و گواه

t	درجه آزادی	سطح معناداری
۳/۱۲۹	۴۸	۰/۰۵

با توجه به نتایج جدول شماره ۲، t محاسبه شده (۳/۱۲۹) از t جدول (۲/۰۲۱) بزرگ‌تر است بنابراین فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود دارد و روش فعال بدیعه‌پردازی باعث افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شده است.

**جدول ۳.** میانگین و انحراف استاندارد نمره خلاقیت گروه بدیعه‌پردازی و گواه

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
بدیعه‌پردازی	۶۸/۵۲	۴/۸۵	۸۰/۶۰	۳/۹۷
گواه	۶۷/۸۰	۲/۴۱	۶۸/۴۰	۲/۶۵

همان‌طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، میانگین و انحراف معیار برای گروه بدیعه‌پردازی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون خلاقیت به ترتیب (۶۸/۵۲، ۴/۸۵) و (۸۰/۶۰، ۳/۹۷) و برای گواه (۶۷/۸۰، ۲/۴۱) و (۶۸/۴۰، ۲/۶۵) است. همچنین تفاضل میانگین پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای گروه بدیعه‌پردازی ۱۲/۰۸ و برای گروه گواه ۰/۶۰ بوده است.

**جدول ۴.** آزمون t، مقایسه خلاقیت گروه بدیعه‌پردازی و گواه

t	درجه آزادی	سطح معناداری
۲/۳۲	۴۸	۰/۰۵

با توجه به نتایج جدول شماره ۴،  $t$  جدول با درجات آزادی (۴۸) و با احتمال (۰/۰۵) مساوی (۲/۰۲۱) است. از آنجا که  $t$  محاسبه شده (۲/۳۲) از  $t$  جدول (۲/۰۲۱) بزرگ تر است، بنابراین فرضیه صفر رد می شود و نتیجه می گیریم که بین میانگین های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود دارد و روش بدیعه پردازی باعث افزایش خلاقیت دانش آموزان شده است.

### بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش بررسی اثر بخشی روش تدریس فعال بدیعه پردازی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال اول متوسطه (هفتم) استان کهگیلویه و بویراحمد بود. نتایج نشان داد که بین خلاقیت دانش آموزانی که به روش بدیعه پردازی آموزش دیده بودند نسبت به دانش آموزانی که به روش سنتی آموزش دیده بودند (در سطح ۰/۵) تفاوت معنادار وجود دارد. این نتیجه بدان معنا است که دانش آموزانی که به روش بدیعه پردازی آموزش دیده بودند، نسبت به دانش آموزانی که به روش سنتی آموزش دیده بودند خلاقیت بیشتری دارند. این نتیجه، فرضیه اول پژوهش را مورد تایید قرار می دهد و با پژوهش های فدرستون (۱۹۷۱)، نقل از فورد، (۲۰۱۰)، هاروتیز (۱۹۷۹)، نقل از کراچی، (۱۳۸۰)، بریانت<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، اوجی نژاد (۱۳۸۹)، جبلی آده (۱۳۹۱)، شیخ محسنی (۱۳۸۶)، قوشلی (۱۳۸۴) همسویی دارد و نتایج پژوهش های آنها را مورد تایید قرار می دهد. در تبیین این فرضیه می توان گفت: در کلاس های خلاق، فکر بیش از حافظه ارزش دارد. معلم تعادل بین امنیت روانی و آزادی برقرار می سازد تا دانش آموز بتواند ریسک کند. معلم هدایت گر و تسهیل کننده است در حالی که در کلاس غیر خلاق، معلم مقتدر است و سخت در بند زمان، غیر حساس به نیازهای احساسی دانش آموزان، مقید به نظم و دادن اطلاعات است. شیوه های آموزشی و یاددهی با رشد

1. Bryant

خلاقیت دانش‌آموزان ارتباط مستقیم دارد. معلم می‌تواند با ایجاد موقعیت‌های پویا و برانگیزاننده در یادگیری، دانش‌آموزان را یاری کند تا با توجه به علائق و توانایی‌های خویش دست به تجربه و یادگیری بزنند و بدین ترتیب زمینه لازم برای ظهور خلاقیت را در آن‌ها فراهم آورد و یا با شیوه‌های سنتی آموزش که در آن دانش‌آموز نقش منفعل دارد، انگیزه خلاقیت دانش‌آموزان را از بین ببرد. شیوه‌های سنتی با ساختار انعطاف‌ناپذیر و محدودیت زیادی که برای دانش‌آموزان قائل می‌شود، هم‌چنین با تکیه بر انتقال معلومات و محفوظات، امکان هر گونه رشد فکری، ابتکار و اکتشاف را از یادگیرندگان سلب می‌کند، دانش‌آموز نمی‌تواند بین آموخته‌هایش و مسائل بیرونی ارتباط برقرار کند در حالی که سبک آموزش و پرورش باز یا روش فعال تدریس، با دادن آزادی به دانش‌آموز به آن‌ها فرصت می‌دهد تا به جستجو و کشف مسائل پردازد. بدین ترتیب دانش‌آموز خود در فرایند یادگیری دخیل می‌شود و انگیزه‌های درونی و به دنبال آن امکان بروز خلاقیت در او افزایش می‌یابد. اغلب محققان در این که شیوه‌های سنتی آموزش و پرورش نه تنها در رشد خلاقیت کودکان کمکی نمی‌نماید بلکه مانع اساسی و جدی در این زمینه تلقی می‌شود، اتفاق نظر دارند. بنابراین اگر معلمان علی‌رغم محدودیت‌های مختلف، در حد امکان جو مناسب و مطمئن در کلاس درس ایجاد کنند و از روش‌های آموزشی فعال و اکتشافی در کلاس استفاده نمایند، دانش‌آموزان را جهت بهره‌برداری از قوای خلاق خویش یاری نموده‌اند.

هم‌چنین نتایج پژوهش نشان داد که بین نمره پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که به روش بدیعه‌پردازی آموزش دیده بودند نسبت به دانش‌آموزانی که به روش سنتی آموزش دیده بودند (در سطح ۰/۵) تفاوت معناداری وجود دارد، این نتیجه بدان معنا است که دانش‌آموزانی که به روش بدیعه‌پردازی آموزش دیده بودند، نسبت به دانش‌آموزانی که به روش سنتی آموزش دیده بودند از پیشرفت تحصیلی بیشتری برخوردار بودند. این نتیجه، فرضیه دوم پژوهش را مورد تایید قرار می‌دهد و با پژوهش‌های میوارش (۱۹۸۶، نقل از مشهدی، ۱۳۸۲)، اسلاوین

(۱۹۸۲، نقل از اوجی نژاد، ۱۳۸۹)، زاهارا<sup>۱</sup> و انوارا<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، گکورت<sup>۲</sup> (۲۰۱۲)، حسینی (۱۳۸۶)، صحرانورد (۱۳۸۳) همسو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت: روش‌های فعال یادگیری باعث می‌شوند تا دانش‌آموزان همه مسائل یادگیری را تجربه کنند، برپایه حل مسائل به جستجوی اطلاعات پردازند و در ساختار ذهن خود، آنچه را برای حل مسائل جدید مفید تشخیص می‌دهند، به کار ببرند و به جای اینکه به طور انفعالی تحت تاثیر محیط قرار گیرند، فعالانه انتخاب، تمرین، توجه و چشم‌پوشی کنند. علاوه بر این، خود را مسئول یادگیری بدانند و در برابر یادگیری دیگران نیز احساس مسئولیت کنند. معلمان، فعالیت‌های یادگیری تعاملی را به گونه‌ای سازمان می‌دهند که دانش‌آموزان حقیقتاً به یکدیگر وابسته باشند و هیچ یک از اعضا گروه نمی‌تواند موفق شود مگر اینکه تمام اعضا موفق شوند. فرایند یادگیری در زمان انجام دادن فعالیت دانش‌آموزان، فرایندی خودگردان، خودفرمان، خودنظم‌جو و خودرهبر است. هدف کسب حقایق علمی از طریق تحقیق، تفکر، مباحثه و استدلال منطقی، اصلاح و تقویت درک و فهم مهارت‌های تفکر است و به اصلاح و تقویت مهارت‌های همکاری و احترام به اندیشه‌های دیگران، پرورش تفکر انتقادی و تحمل اندیشه‌های مخالف منتهی می‌شود. این الگوهای آموزشی باعث می‌شوند تا فرد از قدرت ذهنی آگاه شود، بر اطلاعات و مفاهیم مسلط شود، از حقایق و نظرات دیگران آگاهی پیدا کند، اتکاء بر خود و استقلال، آگاهی از خویش و داشتن عزت نفس بالا و پیشرفت تحصیلی از دیگر فواید استفاده از این روش‌های آموزشی است.

همان طوری که این پژوهش نشان داد، این روش می‌تواند خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش دهد. به دلیل آن که نظام آموزشی کشور با افت تحصیلی دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی روبرو است و این مسئله به عنوان یک مشکل جدی کشور مطرح است که سالیانه مخارج هنگفتی در بر دارد و با توجه به این که روش‌های فعال تدریس در کمک

1. Zahara & Anowar  
2. Gokkurt

به رفع این معضل بسیار موثر می‌باشند. استفاده از این روش به معلمان و مربیان محترم کشور توصیه می‌شود.

## منابع

- اوجی‌نژاد، احمدرضا. (۱۳۸۹). تأثیر به کارگیری الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در درس انشاء، فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۳۸۹، صص ۲۸-۳۱.
- جبلی‌آده، پریچهر؛ سبحانی، عبدالرضا. (۱۳۹۱). تأثیر به کارگیری روش‌های تدریس خلاق بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی، فصلنامه علمی و پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. دوره دوم، شماره ۲، پاییز ۹۱، صص ۱۴۹-۱۵۶.
- جویس، بوریس؛ ویل، مارشا؛ کالهن، امیلی. (۲۰۰۴). الگوهای تدریس، ترجمه محمد رضا بهرنگی (۱۳۸۴)، تهران: انتشارات کمال تربیت.
- حسینی، افضل‌السادات. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر برنامه آموزشی خلاقیت معلمان بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی و خودپنداری دانش‌آموزان. مجله نوآوری آموزشی. شماره ۲۳، صص ۱۴۷-۱۶۸.
- حمیدی، طاهر. (۱۳۹۰). بررسی میزان تأثیر تدریس به روش حل مسئله بر افزایش خلاقیت. مجله سومین همایش شیوه‌های آموزش. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۲۸ اردیبهشت ماه ۹۰، صص ۱۷-۲۸.
- خورشیدی، عباس. (۱۳۸۱). راهبردهای یاددهی - یادگیری با عنایت به نگرش فراشناختی، تهران: نشر دانش.
- رئیس سعدی، حسن. (۱۳۸۶). بررسی رابطه انگیزش پیشرفت، اسناد علی و پیشرفت تحصیلی، پایان‌نامه ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

شریفی، علی اکبر. (۱۳۸۸)، مقایسه تأثیر سه روش پرورش خلاقیت در افزایش خلاقیت دانش آموزان پایه دوم راهنمایی، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال پانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸، صص ۲۳-۳۴.

شعبانی، حسن. (۱۳۹۳). *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (جلد دوم: نظریه ها و الگوها)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه، انتشارات سمت.

صحرانورد، مریم. (۱۳۸۳). نقش استفاده از روش‌های فعال تدریس درس علوم تجربی در پرورش روحیه پرسشگری- پژوهش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان چهارم ابتدایی، *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم*.

صفوی، امان الله. (۱۳۹۲). *کلیات روش ها و فنون تدریس (متن کوتاه)*. تهران: نشر معاصر.

صمدآقایی، جلیل. (۱۳۸۳). *خلاقیت جوهره کارآفرینی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

عابدی، جمال. (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه‌های نو در اندازه گیری آن. *مجله پژوهش‌های روانشناختی*. شماره ۳(۷۲)، صص ۴۶-۵۴.

عرب زاده، مهدی؛ کدیور، پروین. (۱۳۹۰). بررسی اثرات آموزش خودکارآمدی خلاق در افزایش خلاقیت دانشجویان. *مجله همایش شیوه‌های آموزش*. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی. ۲۸ اردیبهشت ماه ۹۰، صص ۳۷-۴۱.

فتحی آذر، اسکندر؛ حیدری فارفار، علی اکبر. (۱۳۹۰). تعیین تأثیر روش حل مسئله بر خلاقیت دانش آموزان. *مجله همایش شیوه‌های آموزش*، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۲۸ اردیبهشت ماه ۹۰، صص ۲۴-۲۷.

فقیهی، علیرضا. (۱۳۹۲). *طراحی آموزشی (با تأکید بر رویکرد تلفیقی)*. تهران: انتشارات کورش چاپ. قریب، میترا؛ عارفیان، حسین؛ خلخالی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). مقایسه تأثیر دو روش آموزش سنتی و همیاری بر میزان یادگیری دانشجویان، *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران*. شماره ۱۲، صص ۱۷-۲۱.

قوشلی، عبدالحمید. (۱۳۸۴). مقایسه تأثیر روش بدیعه پردازی با روش تدریس سنتی بر خلاقیت عمومی و خلاقیت نوشتاری، *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز*.



کراچی، ابراهیم. (۱۳۸۰). بررسی تاثیر روش های تدریس آموزش نمایشی - سخنرانی، یادگیری اکتشافی و یادگیری اکتشافی هدایت شده بر پیشرفت تحصیلی درس ریاضی پایه دوم راهنمایی پسران شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. مرتضوی زاده، سیدحشمت الله. (۱۳۹۴). راهنمای تدریس (الگوها، روش ها و مهارت های تدریس). تهران: انتشارات عابد.

مشهدی، حمیدرضا. (۱۳۸۲). مقایسه تأثیر آموزش همیاری (مشارکتی) با روش آموزش سنتی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان مراکز تربیت معلم و رابطه آن با سبک های شناختی. پایان نامه کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه تربیت معلم تهران.

موسوی، ماهرخ؛ مقامی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی دو شیوه جدید و قدیم ارزشیابی تحصیلی بر نگرش به خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۲، صص ۱۲۵-۱۴۶.

نصراصفهانی، احمد (۱۳۸۷). عوامل موثر در کیفیت تدریس. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۲۹، صص ۱۴۰-۱۴۵.

- Batastini, S. D. (2012). The relationship among student's emotional intelligence, creativity and leadership. *Dissertation Abstract International section A: Humanities and social science*, 62.
- Bryant, C. (2010). Creativity and Technology. *Evaluative Art Educatin*, 63(2): 43-48.
- Dalton, m. (1986). The thought of teachers when practicing two models of teaching. Doctoral dissertation, University of Oregon.
- De Jong, T. VanJoolingen, W. (1998). Scientific discovery learning with computer simulations of conceptual domain. *Review of Educational Research*, 68 (2): 91-95.
- Ford, sam, A. (2010). Factor leading to innovation: a study of manager's Perspective about factor creativity reaserch. *Journal of creativity*, No 23, PP: 34-87.

- Gokkurt, B., Dundatr, S., Soylu, Y. (2012). The effects of learning together Technique which is based on cooperative Learning on student's achievement in mathematics class.
- Jackson, G. B. (1980). Methods for integrative reviews. *Review of Educational Research*, 50, 438.
- Zahara, A, &Anowar, H. (2010). A comparison of cooperative Learning and conventional teaching on students' achievement in secondary mathematics. *Journal of procedia and Behavioral Sciences*, 9, 53-62.